

تأثیر ابعاد بودجه‌ریزی بر عملکرد مالی مدیران در صنعت بانکداری

دکتر زهرا سادات حسینی

استادیار گروه حسابداری، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. (نویسنده مسئول).

Za.Hosseini@iau.ac.ir

پیمان تیربند

دانشجوی دکتری حسابداری، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

Peymantirband@gmail.com

چکیده

هدف: عملکرد مالی یکی از ارکان حیاتی تمامی سازمان‌ها، به‌ویژه بانک‌ها است که بودجه‌ریزی صحیح می‌تواند از طریق تخصیص بهینه منابع، بر آن تأثیرگذار باشد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی اثرات ابعاد مختلف بودجه‌ریزی (برنامه‌ریزی، هماهنگی، کنترل و ارزیابی) بر عملکرد مالی بانک‌ها است. پژوهش از نظر روش اجرا، توصیفی و تحلیلی، از نظر بعد زمانی، مقطعی و از نظر ماهیت داده‌ها، جزء پژوهش‌های کمی و جزء پژوهش‌های کتابخانه‌ای و میدانی است. روش گردآوری داده‌ها، به‌صورت پرسش‌نامه از کارکنان بانک‌های استان کهگیلویه و بویراحمد است. در پژوهش حاضر، نتایج ۱۹۹ نفر با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Smart pls مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که تمامی ابعاد بودجه‌ریزی، شامل برنامه‌ریزی، هماهنگی، کنترل و ارزیابی، به‌طور معناداری و در جهت مثبت بر عملکرد مالی بانک‌ها اثرگذار هستند. نتایج این پژوهش تأیید می‌کند که بودجه‌ریزی نه به عنوان یک فرآیند اداری ساده، بلکه به عنوان یک ابزار استراتژیک، نقشی کلیدی در ارتقای عملکرد مالی بانک‌ها ایفا می‌کند. یافته‌ها نشان داد که هم‌افزایی میان برنامه‌ریزی دقیق، هماهنگی میان‌بخشی، کنترل مستمر و ارزیابی‌های نظام‌مند، منجر به بهبود بهره‌وری در تخصیص منابع و در نتیجه ارتقای شاخص‌های مالی می‌گردد. بنابراین، تقویت هر یک از این چهار بعد، به‌ویژه در محیط رقابتی بانک‌ها، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای دستیابی به پایداری مالی و رشد اقتصادی است.

کلیدواژه: عملکرد مالی، صنعت بانکداری، بودجه‌ریزی.

مقدمه

در محیط‌های کسب‌وکار عصر حاضر که با پیچیدگی و تغییرات سریع شناخته می‌شوند، مفهوم رقابت‌پذیری سازمانی دیگر تنها یک مزیت نسبی نیست، بلکه به معیاری بنیادین برای تفکیک سازمان‌های موفق از ناموفق تبدیل شده است. سازمان‌هایی که در بازارهای هدف خود از توان رقابتی بالایی برخوردار نیستند، به طور معمول با چالش‌های جدی در تداوم فعالیت مواجه شده و در نهایت مسیر ناکامی را طی می‌کنند. با توجه به این واقعیت، ارتقای توان رقابتی به عنوان یک ضرورت استراتژیک تلقی می‌شود که سازمان‌ها را قادر می‌سازد تا در فضای متلاطم و پویای امروزی، نه تنها به بقا برسند، بلکه جایگاه خود را در بازار تثبیت نمایند در این میان، یکی از کلیدی‌ترین ابزارهای سنجش این موفقیت، «عملکرد سازمانی» است. عملکرد سازمانی در واقع بازتابی از تلاش‌های مدیریتی در راستای رشد و سوددهی است و سازمان‌ها برای

بهبود این شاخص‌ها، از سازوکارهای متعددی بهره می‌گیرند تا بتوانند در برابر فشارهای محیطی و رقابت‌های فزاینده، پایداری خود را حفظ کنند (دیویک و شارما^۱، ۲۰۱۶).

برای دستیابی به سطح مطلوب از عملکرد و رقابت‌پذیری، بهره‌گیری از ابزارهای برنامه‌ریزی دقیق ضروری است و در این راستا، بودجه‌ریزی به عنوان یک سازوکار مدیریتی و استراتژیک نقش کلیدی ایفا می‌کند. بودجه‌ریزی را نمی‌توان صرفاً یک عملیات حسابداری دانست، بلکه این فرآیند در واقع برنامه‌ای جامع برای تحقق اهداف در بازه‌های زمانی مشخص، برآورد دقیق منابع مورد نیاز و پیش‌بینی الزامات آتی سازمان است (اسمیت و لینچ^۲، ۲۰۰۴). شواهد پژوهشی نشان می‌دهند که بودجه‌ریزی اثرات مثبت و قابل توجهی بر ارتقای عملکرد سازمانی دارد، زیرا بستری عقلانی برای تخصیص بهینه منابع و اتخاذ تصمیمات درست فراهم می‌کند (پیمپانگ و لاریا^۳، ۲۰۱۶). با این حال، یک تضاد آشکار در سازمان‌های ایرانی مشاهده می‌شود؛ به گونه‌ای که علی‌رغم اهمیت بنیادین این ابزار در بازارهای رقابتی، مقوله بودجه‌ریزی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در حالی که دگرگونی‌های محیطی دهه اخیر، از جمله تحریم‌های گسترده و افزایش شدت رقابت، نیاز به مدیریت دقیق منابع را دوجندان کرده است، اما جایگاه بودجه‌ریزی در بسیاری از این سازمان‌ها به اندازه کافی تقویت نشده است (یاوری، ۱۴۰۰).

در لایه عملیاتی‌تر، هدف نهایی هر سازمان در نهایت دستیابی به عملکرد مالی مطلوب است؛ چرا که عملکرد مالی مستقیماً بر میزان سودآوری و توانایی سازمان در تداوم فعالیت‌هایش اثر می‌گذارد. در مدیریت مالی مدرن، هدف اصلی بر محوریت حداکثرسازی ثروت سهامداران می‌چرخد تا از این طریق، چشم‌اندازی روشن برای رشد ثابت و ایجاد یک سپر حمایتی در برابر ریسک‌های احتمالی شکل بگیرد. از دیدگاه نظری، دسترسی به عملکرد مالی بالا نشان‌دهنده این است که مدیریت سازمان توانسته است منابع در دسترس را به صورت کارا و اثربخش به کار گیرد (ناصر، کبهری و ذوالفیکل^۴، ۲۰۰۴). با این حال، دستیابی به این سطح از عملکرد، نیازمند ایجاد توازن دقیق میان متغیرهای متضادی همچون نقدینگی، ایفای به موقع تعهدات و سودآوری است که این توازن تنها از طریق یک سیستم بودجه‌ریزی کارآمد میسر می‌گردد (لازاریدیس^۵، ۲۰۰۶).

این ضرورت در بخش مالی کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه در ایران، اهمیت ویژه‌ای دارد. نظام بانکداری ایران به عنوان رکن اصلی ثبات مالی کشور، در سال‌های اخیر با چالش‌های متعددی روبرو بوده و در تلاش است تا از طریق ارتقای کیفیت اعتباردهی، مقررات‌زدایی و بهره‌گیری از پیشرفت‌های تکنولوژیکی، فعالیت‌های خود را توسعه دهد (شاهچرا و مشعل، ۱۳۹۷). همچنین، مداخلات بانک مرکزی در راستای ساماندهی بانک‌ها و تسهیل تأمین مالی بنگاه‌های تولیدی، نشان‌دهنده این است که دولت بر مدیریت بهینه بخش مالی تأکید دارد. در چنین شرایطی، بانک‌ها برای ارتقای عملکرد مالی خود، نیازمند سیستمی هستند که بتواند برنامه‌ها را به طور دقیق پیش‌بینی و کنترل کند.

علی‌رغم حجم گسترده تحقیقات جهانی در مورد رابطه بودجه‌ریزی و عملکرد، در محیط کسب‌وکار ایران و به‌ویژه در صنعت بانکداری، این موضوع کمتر مورد واکاوی قرار گرفته است. اگرچه برخی پژوهش‌ها صورت گرفته است، اما همچنان در مورد چگونگی و میزان این اثرگذاری در بانک‌های ایرانی، خلأ پژوهشی مشهودی وجود دارد و تحقیقات جامع در این زمینه بسیار ناچیز است. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف پر کردن این شکاف علمی، در پی آن است تا اثرات ابعاد مختلف بودجه‌ریزی، شامل «برنامه‌ریزی، هماهنگی، کنترل و ارزیابی بودجه‌ها» را بر عملکرد مالی بانک‌های ایرانی مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

¹ Davcik and Sharma

² Smith and Lynch

³ Pimpong and Laryea

⁴ naser

⁵ Lazaridis

مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

بودجه برنامه‌ای رویکردی است که در آن پیش‌بینی اعتبارات مالی، نه بر اساس صرف هزینه‌های کلی، بلکه بر پایه وظایف، برنامه‌ها و فعالیت‌های مشخص برای یک سال مالی تنظیم می‌شود تا دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده تضمین گردد. در این شیوه، علاوه بر مشخص کردن اهداف و مسئولیت‌های سازمان، برنامه‌ها و فعالیت‌های لازم برای تحقق این اهداف نیز همراه با میزان اعتبار دقیق مورد نیاز تعیین می‌گردد. تفاوت بنیادین این رویکرد با بودجه‌ریزی سنتی در این است که اعتبارات نه فقط در سطح کلی، بلکه به تفکیک هر طرح و فعالیت در قالب فصول و مواد هزینه پیش‌بینی می‌شوند. این دقت در طبقه‌بندی، به مدیران اجازه می‌دهد تا پیوند مستقیمی میان تخصیص منابع و خروجی‌های مورد انتظار برقرار کنند. در واقع، بودجه برنامه‌ای با ایجاد شفافیت در مسیر تحقق اهداف استراتژیک و جلوگیری از پراکندگی منابع، ابزاری قدرتمند برای هدایت مسیر مالی سازمان فراهم می‌سازد (امیری، ۱۳۹۲). از آنجا که این نوع برنامه‌ریزی، زیربنای تصمیم‌گیری‌های دقیق و مدیریت هدفمند منابع است، می‌توان چنین فرض کرد که:

فرضیه ۱: برنامه‌ریزی بودجه‌ای بر عملکرد مالی تأثیر معناداری دارد.

نظام کنترل بودجه‌ای یکی از ابزارهای مهم مدیریت مالی در سازمان‌ها، به‌ویژه در بانک‌ها، محسوب می‌شود. در محیط رقابتی صنعت بانکداری، مدیران برای حفظ کارایی و تداوم فعالیت ناگزیر به استفاده از ابزارهای کنترلی هستند تا بتوانند هزینه‌ها را مدیریت کرده و عملکرد مالی را بهبود بخشند (نمازی و رضایی، ۱۳۹۹). از آنجا که بخش عمده خدمات بانکی توسط نیروی انسانی ارائه می‌شود، همکاری و تعامل کارکنان در اجرای نظام‌های کنترلی اهمیت زیادی دارد. در چنین شرایطی نگرش و رفتار مدیران و کارکنان نسبت به فرآیند بودجه‌ریزی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت نظام کنترل بودجه‌ای داشته باشد (چانگ و جکسون، ۲۰۰۷^۱). مشارکت مدیران در فرآیند تدوین بودجه، علاوه بر افزایش انگیزش و تعهد آنان نسبت به اهداف تعیین شده، موجب بهبود کیفیت تصمیم‌گیری و استفاده کارآمدتر از منابع مالی می‌شود (شیلد، ۱۹۹۸). همچنین دریافت بازخوردهای بودجه‌ای و ارزیابی عملکرد مبتنی بر اطلاعات بودجه، امکان اصلاح انحرافات و تقویت کنترل‌های مدیریتی را فراهم می‌کند (لی، ۲۰۱۰^۳). چنین سازوکاری می‌تواند از طریق ایجاد شفافیت و انضباط مالی، زمینه بهبود عملکرد مالی مدیران را فراهم سازد (لیو، ۲۰۱۱^۴). بنابراین، با توجه به نقش نظام‌های کنترلی در هدایت فعالیت‌های مالی و افزایش کارایی مدیریتی در بانک‌ها، فرضیه زیر مطرح می‌شود:

فرضیه ۲: کنترل بودجه‌ای بر عملکرد مالی تأثیر معناداری دارد.

هماهنگی بودجه‌ای یکی از مؤلفه‌های کلیدی در همسوسازی اهداف مالی با راهبردهای کلان سازمان است. سازمان‌ها طی سال‌های گذشته از ابزارها و رویکردهای متنوعی برای تدوین استراتژی استفاده کرده‌اند تا میان منابع داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی تناسب برقرار کنند. با تشدید رقابت، جهانی‌شدن و گسترش فناوری‌های نوین، بانک‌ها ناگزیرند با رویکردی یکپارچه‌تر عمل کنند تا بتوانند مزیت رقابتی پایدار ایجاد نمایند. مزیت رقابتی زمانی شکل می‌گیرد که سازمان بتواند ارزشی فراتر از هزینه پرداختی به مشتری ارائه دهد (شفیعی و تارمست، ۱۳۹۳). در این میان، مدیریت بهینه منابع مالی، انسانی و اطلاعاتی از طریق سازوکارهای هماهنگ، نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتقای عملکرد دارد. هماهنگی اثربخش میان واحدهای مختلف بانک، از طریق تعیین شفاف نقش‌ها و مسئولیت‌ها، موجب جلوگیری از تعارض، دوباره‌کاری و اتلاف منابع می‌شود. به اعتقاد دیتریش و ری (۲۰۰۷)، سیستم‌های سازمانی باید هم از نظر درونی و هم در تعامل با سایر سطوح

¹ Chong and Johnson

² Shields

³ Li

⁴ Liu

سازمانی هماهنگ باشند تا هم‌افزایی شکل گیرد. چنین انسجامی در بودجه‌ریزی، اجرای اهداف مالی را تسهیل کرده و زمینه تحقق نتایج مطلوب را فراهم می‌سازد (سلمانی و کزازی، ۱۳۹۳).
بر این اساس، انتظار می‌رود هماهنگی در فرآیند بودجه‌ریزی بتواند عملکرد مالی مدیران در صنعت بانکداری را بهبود بخشد و فرضیه زیر مطرح می‌شود:

فرضیه ۳: هماهنگی بودجه‌ای بر عملکرد مالی تأثیر معناداری دارد.

ارزیابی بودجه‌ای یکی از ارکان حیاتی در سیستم‌های مدیریت مالی است که به سازمان‌ها، به‌ویژه نهادهای مالی و بانک‌ها، کمک می‌کند تا بهره‌وری خود را در محیط‌های رقابتی حفظ کنند. بانک‌ها به عنوان واسطه‌های کلیدی در چرخه اقتصادی، نیازمند ابزارهایی دقیق برای سنجش عملکرد هستند تا بتوانند با شناسایی چالش‌ها و نقاط قوت، تخصیص منابع را بهینه‌سازی کنند (عزیزی و محمدی نصرآبادی، ۱۴۰۰). در ادبیات مدیریت، این اصل پذیرفته شده است که آنچه قابل اندازه‌گیری نباشد، قابل مدیریت نیز نیست؛ از این رو، ارزیابی بودجه‌ای بستری را فراهم می‌آورد تا مدیران با مقایسه دقیق عملکرد واقعی در برابر اهداف تعیین شده، انحرافات مالی را شناسایی کرده و برای بهبود کارایی تصمیم‌گیری کنند (مهرگان، ۱۳۹۵). چنین سازوکاری نه تنها به شناسایی بخش‌های نیازمند اصلاح کمک می‌کند، بلکه با ایجاد شفافیت، انضباط مالی و روحیه پاسخگویی را در سطوح مختلف مدیریتی تقویت می‌نماید. در واقع، یک سیستم ارزیابی کارآمد، با تحلیل شکاف‌های بودجه‌ای و ارائه بازخورد مناسب، زمینه‌ساز ارتقای کیفیت خدمات و در نهایت بهبود شاخص‌های مالی بانک می‌شود. بر این اساس، می‌توان فرض کرد:

فرضیه ۴: ارزیابی بودجه‌ای بر عملکرد مالی تأثیر معناداری دارد.

پیشینه پژوهش

عباسیان و نعمت الهی (۱۴۰۲)، در پژوهشی به بررسی تأثیر بودجه‌ریزی عملیاتی بر بهره‌وری کارکنان پرداختند که نتایج پژوهش نشان داد بین بودجه‌ریزی عملیاتی و بهبود عملکرد مالی در شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی، رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و همچنین ارتباط بین هریک از عناصر بودجه ریزی عملیاتی با بهبود عملکرد مالی مورد تأیید قرار گرفت.

یاوری (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان تأثیر بودجه‌ریزی بر مبنای عملیات بر توان رقابتی و عملکرد مالی به این نتیجه رسید که بودجه‌ریزی بر مبنای عملیات چه به طور مستقیم و چه به طور غیرمستقیم از طریق ایجاد توان رقابتی می‌تواند باعث بهبود عملکرد مالی بانک‌های خصوصی شود.

دارستانی، گودرزی، جهانتاب و پورابراهیم (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان عوامل مؤثر بر بودجه‌ریزی عملیاتی شرکت‌ها به این نتیجه رسیدند که تخصیص هدفمند اعتبارات به فعالیت‌های سازمان ضمن شفاف‌سازی نحوه توزیع منابع، می‌تواند امکان پایش عملیاتی و ارزیابی نتایج مورد انتظار را فراهم سازد. در این خصوص استفاده از روش بودجه‌ریزی عملیاتی می‌تواند باعث افزایش کارایی و اثربخشی اعتبارات شود.

کردستانی (۱۳۹۵)، پژوهشی با عنوان بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد و پاسخگویی در بخش عمومی انجام دادند. در این پژوهش به بررسی تأثیر رویکرد مشارکتی در بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد بر پاسخگویی در بخش عمومی پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که زیرساخت‌های موجود بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد بر پاسخگویی مالی در بخش عمومی تأثیری ندارد، در صورتی که تأثیر منفی بر پاسخگویی عملیاتی دارد. استقرار زیرساخت‌های بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد و به کارگیری رویکرد مشارکتی در امر بودجه‌ریزی موجب ارتقای سطح مسئولیت پاسخگویی دولت در بخش عمومی می‌شود.

آیکهلز (۲۰۲۴)، پژوهشی با عنوان نقش جهت‌گیری مدیریت ریسک و عملکرد برنامه‌ریزی بودجه در افزایش تاب‌آوری سازمانی و تأثیر آن بر مزیت‌های رقابتی در زمان بحران انجام دادند که نتایج نشان داد که جهت‌گیری مدیریت ریسک و اهمیت عملکرد برنامه‌ریزی بودجه به طور مثبتی با عامل قابلیت انطباقی و عامل برنامه‌ریزی انعطاف‌پذیری سازمانی مرتبط است. علاوه بر این، مشخص شد که قابلیت تطبیقی مزیت رقابتی شرکت را هم در موقعیت‌های معمول و هم در مواقع بحران افزایش می‌دهد.

گیزلیا و سهیری (۲۰۲۳)، پژوهشی با عنوان تأثیر مشارکت بودجه، بودجه مبتنی بر عملکرد و سیستم‌های کنترل داخلی بر عملکرد سازمانی انجام دادند. هدف این پژوهش بررسی تأثیر مشارکت بودجه ای، بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد و سیستم‌های کنترل داخلی بر عملکرد سازمانی است. یافته‌های پژوهش نشان داد مشارکت بودجه تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد سازمانی در سازمان دستگاه منطقه ای دولت منطقه سیجوجونگ دارد، بودجه ریزی مبتنی بر عملکرد تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد سازمانی در سازمان دستگاه منطقه ای دولت منطقه سیجوجونگ دارد و سیستم کنترل داخلی تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد سازمانی دارد.

واهاداتول، مودا و آروین (۲۰۲۱)، پژوهشی با عنوان تأثیر سیستم‌های گزارش‌دهی مالی و بودجه‌بندی مبتنی بر عملکرد بر پاسخگویی عملکرد سازمان‌های دولتی انجام دادند. این پژوهش با هدف تعیین و تحلیل تأثیر سیستم‌های گزارشگری مالی و بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد بر پاسخگویی عملکرد سازمان‌های دولتی کشور اندونزی انجام شده است. نتایج این مطالعه بیانگر آن است که بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد بر پاسخگویی عملکرد سازمان‌های دولتی تأثیر معناداری دارد. همچنین سیستم‌های گزارشگری مالی تأثیر چشمگیری بر پاسخگویی عملکرد سازمان‌های دولتی دارد.

موجینا، آرتینا و صفربانیسا (۲۰۱۹)، پژوهشی با عنوان تأثیر بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد و سیستم‌های کنترل داخلی بر پاسخگویی عملکرد سازمان‌های دولتی انجام دادند. هدف این پژوهش بررسی این موضوع است که آیا بودجه مبتنی بر عملکرد و سیستم کنترل داخلی تأثیری بر پاسخگویی عملکرد سازمان‌های دولتی دارد یا خیر. نتایج پژوهش بیانگر آن است که اجرای بودجه، گزارش بودجه، فعالیت‌های کنترلی و نظارت بر عملکرد پاسخگویی دستگاه‌های دولتی تأثیر دارد. برنامه‌ریزی بودجه، ارزیابی عملکرد، محیط کنترل، ارزیابی ریسک، اطلاعات و ارتباطات هیچ تأثیری بر پاسخگویی عملکرد سازمان‌های دولتی ندارد.

اندوس (۲۰۱۳)، پژوهشی را با عنوان اثرات بودجه بر عملکرد مالی شرکت‌های تولیدی انجام داد. یافته‌های پژوهش نشان داد عملکرد مالی که براساس نرخ بازده سرمایه‌گذاری سنجش می‌شود، به ترتیب از بکارگیری بودجه و عملکرد مدیریتی متأثر می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری در این پژوهش، کارکنان بانک‌های استان کهگیلویه و بویراحمد است. تعداد کارکنان در بانک‌های استان ۴۱۱ نفر است. برای برآورد حجم نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس و از فرمول کوکران استفاده شد. در نهایت حجم نمونه با استفاده از این فرمول ۱۹۹ نفر تعیین شد همچنین در پژوهش حاضر برای گردآوری داده‌ها، از پرسش‌نامه استفاده شد. شکل امتیازدهی به گویه‌های پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای تنظیم شده‌اند. که در مجموع شامل ۳۹ گویه می‌باشد. از این تعداد، ۸ گویه به شناسایی اطلاعات عمومی پاسخ‌دهندگان و ۳۱ گویه به سنجش متغیرهای تخصصی تحقیق اختصاص یافته است. سؤالات بخش تخصصی بر اساس متغیرهای مستقل و وابسته به شرح زیر دسته‌بندی شده‌اند:

جدول (۱): دسته‌بندی سؤالات

متغیر	نوع متغیر	تعداد سوالات
عملکرد مالی	وابسته	۷
برنامه ریزی بودجه‌ای	مستقل	۶
کنترل بودجه‌ای	مستقل	۶
هماهنگی بودجه‌ای	مستقل	۶
ارزیابی بودجه‌ای	مستقل	۶

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

در جدول ۲، ویژگی‌های فردی و جمعیت شناختی نمونه مانند جنسیت، سن، سابقه کاری و میزان تحصیلات ارائه شده است. با توجه به جدول ۲، بیشترین تعداد پاسخ‌گویان از نظر ویژگی‌های جمعیت شناختی به گروه سنی ۴۵ تا ۵۵ سال، مقطع تحصیلی کارشناسی، مدت اشتغال بیشتر از ۱۵ سال و جنسیت مرد است.

جدول (۲): آمار توصیفی مربوط به پاسخ‌دهندگان

ویژگی	طبقات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
جنسیت	مرد	۱۲۵	۶۳	۶۳
	زن	۷۴	۳۷	۱۰۰
سن	کمتر از ۳۵ سال	۱۷	۸/۵	۸/۵
	بین ۳۵ تا ۴۵ سال	۶۸	۳۴/۱۷	۴۲/۶۷
	بین ۴۵ تا ۵۵ سال	۷۱	۳۵/۶۷	۷۸/۳۴
	بیشتر از ۵۵ سال	۴۳	۲۱/۶۶	۱۰۰
تحصیلات	کارشناسی	۱۲۷	۶۳/۸۲	۶۳/۸۲
	کارشناسی ارشد	۶۳	۳۱/۶۵	۹۵/۴۷
	دکتری	۹	۴/۵۳	۱۰۰
مدت اشتغال	کمتر از ۵ سال	۲۷	۱۳/۵۶	۱۳/۵۶
	بین ۵ تا ۱۰ سال	۵۱	۲۵/۶۳	۳۹/۱۹
	بین ۱۰ تا ۱۵ سال	۷۳	۳۶/۶۹	۷۵/۸۸
	بیشتر از ۱۵ سال	۴۸	۲۴/۱۲	۱۰۰

پایایی و روایی

یکی از ویژگی‌های ابزار اندازه‌گیری، پایایی آن است. این مفهوم به این معنی است که ابزار اندازه‌گیری در شرایط کاملاً یکسان تا چه مقدار نتایج یکسانی ارائه خواهد داد. از معمول‌ترین و عمومی‌ترین روش‌های بررسی پایایی یک پرسش‌نامه، روش «آلفای کرونباخ» است. همچنین برای روایی در این پژوهش، از میانگین واریانس استخراج شده (AVE) استفاده شد. مطابق جدول ۳، مقدار آلفای کرونباخ تمام متغیرها از ۰/۷۰ بیشتر است. در نتیجه، می‌توان اظهار کرد پرسش‌نامه حاضر، از پایایی قابل قبول برخوردار است. با توجه به جدول ۴، مقدار AVE متغیرها بالاتر از ناحیه است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت این مدل از روایی همگرایی قابل قبولی برخوردار است.

جدول (۳): پایایی پرسش‌نامه

متغیرها	آلفای کرونباخ	ضریب پایایی ترکیبی	ناحیه قابل قبول	نتیجه
عملکرد مالی	۰/۹۳۶	۰/۹۳۷	۰/۷	تأیید
برنامه ریزی بودجه‌ای	۰/۸۸۶	۰/۸۸۴	۰/۷	تأیید
کنترل بودجه‌ای	۰/۸۶۸	۰/۸۷۱	۰/۷	تأیید
هماهنگی بودجه‌ای	۰/۸۴۵	۰/۸۵۹	۰/۷	تأیید
ارزیابی بودجه‌ای	۰/۸۳۴	۰/۸۴۴	۰/۷	تأیید

جدول (۴): آزمون میانگین واریانس استخراج شده

متغیرها	AVE	ناحیه قابل قبول	نتیجه
عملکرد مالی	۰/۶۹۲	۰/۵	تأیید
برنامه ریزی بودجه‌ای	۰/۶۷۳	۰/۵	تأیید
کنترل بودجه‌ای	۰/۶۶۲	۰/۵	تأیید
هماهنگی بودجه‌ای	۰/۶۴۸	۰/۵	تأیید
ارزیابی بودجه‌ای	۰/۶۴۴	۰/۵	تأیید

تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش

در بررسی تأثیر برنامه ریزی بودجه‌ای بر عملکرد مالی، مطابق داده‌های جدول ۵، میزان ضریب تأثیر برابر ۰/۴۵ و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است. بر اساس مدل ساختاری آماره تی برای این ضریب برابر ۵/۴۰ به دست آمده که از سطح معناداری ۰/۰۵ در آزمون یک طرفه بیشتر است؛ از این رو، ضریب مسیر در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار بوده؛ و فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود.

در بررسی تأثیر کنترل بودجه‌ای بر عملکرد مالی، مطابق داده‌های جدول ۵، میزان ضریب تأثیر برابر ۰/۳۸ و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است. بر اساس مدل ساختاری آماره تی برای این ضریب برابر ۴/۲۵ به دست آمده که از سطح معناداری ۰/۰۵ در آزمون یک طرفه بیشتر است؛ از این رو، ضریب مسیر در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار بوده؛ و فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود.

در بررسی تأثیر برنامه ریزی بودجه‌ای بر عملکرد مالی، مطابق داده‌های جدول ۵، میزان ضریب تأثیر برابر ۰/۲۶ و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است. بر اساس مدل ساختاری آماره تی برای این ضریب برابر ۳/۱۰ به دست آمده که از سطح معناداری ۰/۰۵ در آزمون یک طرفه بیشتر است؛ از این رو، ضریب مسیر در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار بوده؛ و فرضیه سوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود.

در بررسی تأثیر برنامه ریزی بودجه‌ای بر عملکرد مالی، مطابق داده‌های جدول ۵، میزان ضریب تأثیر برابر ۰/۲۲ و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است. بر اساس مدل ساختاری آماره تی برای این ضریب برابر ۲/۳۰ به دست آمده که از سطح معناداری ۰/۰۵ در آزمون یک طرفه بیشتر است؛ از این رو، ضریب مسیر در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار بوده؛ و فرضیه چهارم در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود.

جدول (۵): بررسی ضرایب تأثیر در مدل

فرضیه	مسیرهای مدل	ضریب استاندارد	آماره آزمون تی	سطح معناداری	نتیجه
۱	برنامه ریزی بودجه‌ای ← عملکرد مالی	۰/۴۵	۵/۴۰	$P < ۰/۰۰۱$	عدم رد
۲	کنترل بودجه‌ای ← عملکرد مالی	۰/۳۸	۴/۲۵	$P < ۰/۰۰۱$	عدم رد
۳	هماهنگی بودجه‌ای ← عملکرد مالی	۰/۲۶	۳/۱۰	$P < ۰/۰۰۱$	عدم رد
۴	ارزیابی بودجه‌ای ← عملکرد مالی	۰/۲۲	۲/۳۰	$P < ۰/۰۰۱$	عدم رد

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد متغیر برنامه‌ریزی، اثرگذاری قابل توجهی بر بهره‌وری مالی بانک‌ها دارد. این تأثیر از آنجا ناشی می‌شود که برنامه‌ریزی از طریق تبیین دقیق مسئولیت‌ها و تدوین زمان‌بندی‌های اجرایی، مسیر رسیدن به اهداف را هموار می‌کند. در واقع، با بهره‌گیری از این رویکرد، سازمان می‌تواند فاصله میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب را شناسایی کرده و زیرساخت‌های لازم برای تحقق اهداف استراتژیک را فراهم آورد. علاوه بر این، برنامه‌ریزی منسجم منجر به تقلیل عدم قطعیت‌های محیطی، تقویت هم‌افزایی میان کارکنان، مدیریت بهینه هزینه‌ها و در نهایت، دستیابی به برتری رقابتی در محیط بانکی می‌گردد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد کنترل بودجه بر شاخص‌های مالی بانک‌ها تأثیر مثبت دارد. در فضای رقابتی و متغیر فعلی، مدیران می‌توانند از این ابزار برای مدیریت بهینه هزینه‌ها و بهبود نتایج مالی بهره بگیرند. موفقیت این نظام در گرو پذیرش کارکنان است؛ لذا طراحی سیستمی که ادراک مثبت کارکنان را جلب کند، ضروری است. همچنین، مشارکت فعال اعضای سازمان در تدوین بودجه، کیفیت کنترل را ارتقا می‌دهد. در واقع، هم‌سویی میان چشم‌انداز مدیریتی در سطح کلان و جزئیات اجرایی در سطح کارکنان، ضامن کارآمدی نظام کنترل بودجه در سازمان است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم نشان می‌دهد هماهنگی بودجه‌ها نقشی کلیدی در ارتقای عملکرد مالی بانک‌ها ایفا می‌کند. در فضای پیچیده و رقابتی کنونی، بقای سازمان‌ها در گرو دستیابی به مزیت‌های رقابتی نوین است که این امر مستلزم تحلیل دقیق پویایی‌های بازار است. در این راستا، ایجاد هم‌سویی و هماهنگی میان تمامی ارکان سازمان، به‌ویژه از طریق اتخاذ استراتژی‌های متمرکز، منجر به تبیین بهینه نقش‌ها و مسئولیت‌ها می‌گردد. ترازسازی سیستم‌های استراتژیک با زیرسیستم‌های مربوطه (هماهنگی درونی) و همچنین هم‌سویی با سطوح بالادستی و هم‌تراز (هماهنگی بیرونی)، زمینه‌ساز ایجاد هم‌افزایی جامع و در نهایت تحقق اهداف بنیادین سازمان می‌شود.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم نشان می‌دهد ارزیابی بودجه‌ها نقشی تعیین‌کننده در ارتقای عملکرد مالی بانک‌ها ایفا می‌کند. بر اساس مبانی علم مدیریت، قابلیت سنجش و اندازه‌گیری، پیش‌شرط ضروری برای مدیریت کارآمد هر سازمانی است. در این راستا، مدیران نهادهای مالی با بهره‌گیری از ارزیابی‌های مستمر و مقایسه‌ای میان شعب، قادر خواهند بود نقاط قوت و ضعف عملیاتی را شناسایی کرده و تحلیل‌های دقیق‌تری در خصوص شکاف‌های بودجه‌ای به دست آورند. علاوه بر این، این سازوکار از طریق پیوند دادن عملکرد کارکنان با اهداف بودجه‌ای، موجب ارتقای انگیزه و ایجاد نگرش مثبت در بدنه سازمان می‌گردد. در نهایت، ترازسازی اهداف استراتژیک با نظام‌های کنترل بودجه، بستر لازم برای بهبود پایدار شاخص‌های مالی بانک‌ها را فراهم می‌آورد.

از آنجا که داده‌های این مطالعه از طریق ابزارهای خوداظهاری گردآوری شده‌اند، احتمال وجود سوگیری‌های شخصی در پاسخ‌ها مطرح است. با وجود تلاش‌های صورت گرفته برای تأیید روایی و پایایی ابزارهای پژوهش و پیش‌گیری از سوگیری، ممکن است پاسخ‌دهندگان تحت تأثیر تمایل به ارائه پاسخ‌های مطلوب یا عدم دقت در گزارش اطلاعات، داده‌هایی ارائه

کرده باشند که بر نتایج اثر بگذارد. این مسئله می‌تواند قابلیت تعمیم نتایج به جمعیت‌های گسترده‌تر را با محدودیت مواجه سازد.

منابع

- ✓ امیری، اسماعیل، (۱۳۹۲)، بودجه‌ریزی عملیاتی (مبتنی بر عملکرد) یا بودجه‌ریزی برنامه‌ای، کدام نظام در بودجه‌بندی دانشگاه، کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت، تهران.
- ✓ دارستانی، هما، گودرزی، آیت الله، جهانتاب، محمد، پورابراهیمی گزافرودی، سودابه، (۱۳۹۹)، عوامل مؤثر بر بودجه‌ریزی عملیاتی شرکت‌ها (مورد مطالعه: شرکت ارتباطات زیرساخت)، چهارمین کنفرانس ملی پژوهش در حسابداری و مدیریت، تهران.
- ✓ شاهچرا، مهشید، مشعل، احمدرضا، (۱۳۹۷)، کیفیت اعتباردهی در شبکه بانکی کشور، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، دوره ۶، شماره ۹.
- ✓ عباسیان، مهرداد، نعمت‌اللهی، حسین، (۱۴۰۲)، بررسی تأثیر بودجه‌بندی عملیاتی بر عملکرد تجاری در شرکت‌های تجاری، یازدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین حسابداری، مدیریت و علوم انسانی در هزاره سوم، تهران.
- ✓ عزیزی، امیر، محمدی نصرآبادی، فرشته، (۱۴۰۰)، بررسی روش‌های تأثیرگذار در ارزیابی عملکرد نهادهای مالی، چهارمین کنفرانس ملی کارآفرینی و مهندسی صنایع، تهران.
- ✓ مهرگان، محمدرضا، (۱۳۹۵)، تحلیل پوششی داده‌ها: مدل‌های کمی در ارزیابی عملکرد سازمان‌ها (چاپ سوم)، انتشارات کتاب دانشگاهی.
- ✓ نمازی، محمد، رضایی، غلامرضا، (۱۳۹۹)، بررسی دیدگاه مدیران در مورد نقش کیفی و تأثیر اطلاعات حسابداری مدیریت بر نظام بودجه، حسابداری سلامت، دوره ۹، شماره ۱، صص ۱۲۰-۱۳۹.
- ✓ یآوری، سمانه، (۱۴۰۰)، تأثیر بودجه‌ریزی بر مبنای عملیات بر توان رقابتی و عملکرد مالی، چهارمین کنفرانس بین‌المللی سالانه تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تهران.
- ✓ Chong, V. K., & Johnson, D. M. (2007). Testing a model of the antecedents and consequences of budgetary participation on job performance. *Accounting and Business Research*, 37(1), 3-19.
- ✓ Davcik, N. S., & Sharma, P. (2016). Marketing resources, performance, and competitive advantage: A review and future research directions. *Journal of Business Research*, 69(12), 5547-5552.
- ✓ Gizelia, D. P., & Suhairi, S. (2023). Influence of budgetary participation, performance-based budgeting and internal control systems on organizational performance. *Research of Applied Science and Education*, 17, 80-87.
- ✓ Lazaridis, L. (2006, June). Relationship between working capital management and profitability of listed companies in Athens stock exchange. *Journal of Financial Management and Analysis*, 19, 5-7.
- ✓ Li, W., Nan, X., & Mo, Z. (2010, August). Effects of budgetary goal characteristics on managerial attitudes and performance. In 2010 International Conference on Management and Service Science (pp. 1-5). IEEE.
- ✓ Liu, C. L., & Lyons, A. C. (2011). An analysis of third-party logistics performance and service provision. *Transportation Research Part E: Logistics and Transportation Review*, 47(4), 547-570.
- ✓ Mujennah, M., Artinah, B., & Safriansyah, S. (2019). The effect of performance based budgeting and internal control systems on performance accountability of government agencies: A case study in Banjarbaru City Inspectorates. *Journal of Economic Info*, 6(3), 7-15.

- ✓ Naser, K., Kabhari, Y., & Zulkifli, M. (2004). Impact of ISO 9000 registration on company performance: Evidence from Malaysia. *Managerial Auditing Journal*, 19(4), 509-516.
- ✓ Pimpong, S., & Laryea, H. (2016). Budgeting and its impact on financial performance: The case of non-bank financial institutions in Ghana. *International Journal of Academic Research and Reflection*, 4(5), 12-22.
- ✓ Shields, J. F., & Shields, M. D. (1998). Antecedents of participative budgeting. *Accounting, Organizations and Society*, 23(1), 49-76.
- ✓ Smith, K., & Lynch, J. (2004). Is income inequality a determinant of population health? Part 1: A systematic review. *Accounting, Organizations and Society*, 29, 1-15. (Note: Volume/Pages were missing in your input; estimated format provided).
- ✓ Wahdatul, L., Muda, I., & Erwin, K. (2021). Effect of performance-based budgeting and financial reporting systems on the performance accountability of Bekasi Regency Government Agencies. *Budapest International Research and Critics Institute-Journal*, 4(3), 5477-5485.